

تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان

دکتر سیاوش طالع پسند^۱

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه سمنان

جمشید شهبازی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه بروجرد

چکیده

یکی از ویژگی‌های مهم هنرمندان که می‌تواند فرایند آفرینندگی را سهولت بخشیده یا کند نماید، شخصیت هنرمند است. این مطالعه با هدف شناسایی ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان و تفاوت‌های جنسیتی آن‌ها طراحی شد. مطالعه حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این مطالعه، شامل تمامی هنرمندان شهرستان ازنا در استان لرستان بود که در اداره ارشاد این شهرستان در سال ۱۳۹۲ مشغول به فعالیت بودند. شرکت‌کنندگان ۶۰ هنرمند (۳۰ زن و ۳۰ مرد) بودند که به روش داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. همه آن‌ها پرسش‌نامه شش عاملی شخصیتی هگزاکو (اشتون و لی، ۲۰۰۵) را تکمیل کردند. داده‌ها با روش تحلیل واریانس چند متغیره تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین زنان و مردان تفاوت معناداری در گشودگی به تجربه وجود دارد. هنرمندان زن، به طور متوسط، نمرات بیشتری از هنرمندان مرد کسب کردند. بین دو گروه در صداقت، وظیفه‌شناسی، هیجان‌پذیری، سازگاری و برون‌گرایی تفاوت معناداری یافت نشد. توجه به پذیرش تجارب جدید، مؤلفه مهمی در چگونگی تعامل با هنرمندان، به‌ویژه زنان، و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های حرفه‌ای آنان محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هنرمند، ویژگی شخصیت، هگزاکو

^۱. نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: stalepasand@semnan.ac.ir

وصول: ۱۳۹۳/۷/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۶

مقدمه

بسیاری از رفتارهای انسان، به‌ویژه رفتار هنرمندان، به طور کلی تابع ویژگی‌های منحصر به فرد در حوزه توانایی‌های شناختی، انگیزه و ساختار شخصیت آن‌ها است. آرناهم^۱ معتقد است که «فعالیت هنری، گونه‌ای از خردورزی است که در آن درک و تفکر، بصورت تفکیک ناپذیری در هم پیچیده‌اند» (۱۳۷۹، ص ۲۳۴). به نظر وی، هنرمندان با تجسم به کشف توانایی‌های خود می‌پردازند، که این امر موجب تسهیل عملکردهای تفکر می‌گردد. در نتیجه، تجسم بخشیدن ضامن بازآرایی ذهنی و کارآمد اطلاعات است. فرام (۱۳۸۷)، معتقد است هنرمندان ویژگی‌های متعددی دارند؛ از جمله استعداد شگفت‌زدگی^۲، توانایی تمرکز فکر، توانایی پذیرش تعارض و تنش و میل به شکوفایی پیاپی، حس کنج‌کاوی، صداقت، پذیرش مسئولیت، بی‌طرفی، دوری از تعصب، تمایل به نظم و ترتیب، نرمش، ایستادگی و قاطعیت. به نظر می‌رسد تعدادی از این ویژگی‌ها را می‌توان به صورت ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد هنرمندان طبقه‌بندی کرد.

ویژگی‌های شخصیتی سبک‌های فراگیر، احساس کردن، رفتار کردن و اندیشیدن هستند (کاستا، ۱۹۹۶). ارزیابی شخصیت در دو دهه گذشته مشخص کرده است شخصیت می‌تواند به وسیله یک مدل پنج عاملی بررسی شود (روز، ۲۰۰۹). این مدل، شخصیت را متشکل از پنج عامل اصلی روان رنجورخویی^۳، برون‌گرایی^۴، گشودگی به تجربه^۵، سازگاری^۶ و وظیفه‌شناسی^۷ می‌داند که هر یک از این عامل‌ها، از طریق شش صفت مشخص می‌شوند (تیبارت، ۲۰۱۱). در این راستا، پرسش‌نامه تجدیدنظرشده شخصیتی نئو، توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) برای ارزیابی پنج عامل شخصیت ساخته شد (روز، ۲۰۰۹). افراد با سطوح پایین روان رنجورخویی، دارای ثبات هیجانی هستند، اما افراد با

1. Arenheim

2. Amazing talent

3. neuroticism

4. extroversion

5. openness

6. agreeableness

7. conscientiousness

صفت روان‌رنجورخویی بالا، کنترل خوبی بر هیجانات خود ندارند و برخی از آن‌ها افرادی عصبی، حساس و نگران هستند. برون‌گرایان، عموماً ماجراجو، اجتماعی و پرحرف هستند، درحالی‌که درون‌گرایان کم‌حرف و خجالتی هستند. افرادی سطوح بالای تجربه‌پذیری دارند، عموماً دارای علایق وسیعی هستند و تمایل دارند مهارت‌های جدیدی را کسب کنند. صفت سازگاری با مهربانی، همدلی، گرمی و حس همکاری مشخص می‌شود. افراد ناسازگار روابط دوستانه ضعیفی دارند و افراد وظیفه‌شناس دارای اخلاق کاری، نظم و ترتیب هستند و تمایل دارند کارها را به اتمام برسانند (هوگس ۲۰۱۲).

مطالعات متعددی با هدف شناخت نیم‌رخ شخصیتی هنرمندان اجرا شده است. در یک مطالعه اخیر، جاسلین و اسلوبودا (۲۰۰۳) نشان دادند که افراد عصبی در پاسخ به آثار احساسی هنر، مانند موسیقی و فیلم عواطف حساس‌تری نشان می‌دهند. آیزنک (۱۹۹۳)، گزارش می‌کند که هنرمندان برای تنظیم هیجان‌های خود نسبت به دیگران، بیش‌تر به گوش‌دادن به موسیقی و دیدن تصاویر نیاز دارند. یکی از ویژگی‌های مهم هنرمندان، گشودگی به تجربه است. کسانی که به موسیقی‌های متفاوتی گوش می‌دهند و هم‌چنین در طراحی، از رنگ‌های متنوع و بیش‌تری استفاده می‌کنند یا کسانی که به نویسندگی و ادبیات علاقه دارند، در پذیرش تجارب جدید ریسک‌زیادی می‌کنند؛ این بدین معناست که این‌گونه افراد، در درک زیبایی‌شناختی، کنج‌کاوی، خلاقیت و نیز غیرستی‌بودن و شکستن بعضی‌هنجارها نسبت به دیگران میل بیش‌تری دارند (مک کری، کاستا، استن دورف، آنجلینر، ماروسیک و همکاران، ۱۹۹۴؛ آیزنک، ۱۹۹۳؛ دیوری و ماتیز، ۲۰۰۵؛ گوف و آکرمن، ۲۰۰۶). تمایل هنرمندان به تجارب منفی، مانند ترس، غم، خشم و احساس انزجار یکی دیگر از هسته‌های اصلی در احساس روان‌رنجوری این افراد است (مک‌گری و همکاران، ۱۹۹۴).

میل به برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی و پشتکار در رسیدن به اهداف از ویژگی‌های دیگر هنرمندان است (چامارا و فورنهایم، ۲۰۱۰). شواهد نشان می‌دهد جنسیت در این زمینه نقش تعدیل‌کننده دارد؛ یعنی، زنان تمایل دارند نسبت به مردان به اثر عاطفی هنر پاسخ

بیش‌تری بدهند (کافمن، وفلر و واکرت، ۱۹۹۹؛ پان سی، ۱۹۹۷). گرچه، برخی مطالعات هیچ تفاوت جنسیتی در استفاده از هنر بین زنان و مردان کشف نکرده‌اند (اونیل و هارگریوز، ۲۰۰۴). چامارا و فورنهایم (۲۰۱۰)، با مقایسه شخصیت نوازندگان و نویسندگان با افراد عادی، با استفاده از مدل پنج‌عاملی شخصیت، گزارش می‌کنند که در عامل روان‌رنجوری و وظیفه‌شناسی، نوازندگان و نویسندگان، بیش از افراد عادی و در عامل گشودگی به تجربه، نویسندگان بیش از نوازندگان و افراد عادی امتیاز کسب کرده بودند. در عامل برون‌گرایی، نوازندگان نمرات پایین و نویسندگان بالا داشتند. در عامل توافق‌پذیری، تفاوتی بین نوازندگان و نویسندگان مشاهده نشد. ایوزکا (۲۰۰۸)، دانشجویان رشته روان‌شناسی را با دانشجویان هنرهای تجسمی مقایسه کرد و چنین نتیجه‌گیری کرد که دانشجویان هنرهای تجسمی در نورزگرایی و بازبودن به تجربه و تمایل به تفکر اکتشافی از دانشجویان روان‌شناسی امتیاز بیشتری کسب کرده بودند. کیشلوفسکی (۲۰۰۷)، در پژوهشی، ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان با افراد عادی را مقایسه کردند. گروه هنرمندان شامل شاعران، نقاشان، بازیگران و موسیقی‌دان‌ها بودند. از یک گروه افراد عادی به‌عنوان گروه شاهد استفاده شد. نتایج نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان با افراد عادی در مقیاس‌های سلطه‌گری، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، خویش‌داری، اشتراک، کارایی ذهنی و مدارا، هنرمندان نمرات بیشتری از گروه شاهد کسب کردند. اما در جنبه زنانگی - مردانگی، افراد عادی نمرات بیشتر از هنرمندان به دست آورده بودند. بارون (۱۹۹۸) نشان داد که افراد عادی نسبت به هنرمندان افرادی قانع، آرام، محافظه‌کار، صبور، جدی، ترسو، میانه‌رو و فروتن هستند؛ درحالی‌که هنرمندان، افسرده، بدبین، ناخشنود، هیجانی و ناپایدارند. لودویک (۱۹۹۲)، در پژوهشی رابطه‌ی میان هنرمندان، اضطراب و سایر آسیب‌های روانی را بررسی کرد. وی با بررسی زندگی‌نامه یک هزار و پنج تن از شخصیت‌های مشهور، نتیجه گرفت که هنرمندان حرفه‌ای اضطراب و بیماری‌های روانی بسیاری را تجربه کرده‌اند. آنان بیش از دیگران تحت روان‌درمان‌گری بوده و اشکال مشخصی از آسیب‌های روانی، از جمله افسردگی

مزمّن و اضطراب منتشر را تجربه کرده‌اند. کاکس و ویلسون (۱۹۹۲)، مقیاس شخصیتی آیزنک و فهرست نشانه‌تئیدگی را درباره ۱۶۲ هنرمند اجرا کردند و داده‌های به‌دست آمده را با هنجارهای آزمون مذکور و نمرات حاصل از گروه کنترل (که مشتمل بر ۸۰۰ نفر بود) مقایسه کردند. هنرمندان شامل ۶۵ موسیقی‌دان ۱۹ تا ۶۹ ساله، ۳۳ هنرپیشه (۱۶ تا ۵۸ ساله) و ۳۸ خواننده (۲۳ تا ۶۰) و ۲۶ رقصنده (۱۸ تا ۵۲ ساله) بودند. نتایج این بررسی نشان داد که هنرپیشگان برون‌گرایی بیش‌تری داشتند. رقصنده‌ها، اندوهگین و مضطرب بوده و «حرمت خود»^۱ پایین‌تری را احراز کرده بودند. درون‌گرایی خفیف و تمایل اندک به ماجراجویی از خصوصیات موسیقی‌دانان بود. تقریباً چهل درصد هنرمندان مذکور در این پژوهش گزارش دادند که غالباً دچار حالت‌های اضطرابی می‌شوند.

گرچه نیم‌رخ شخصیتی هنرمندان کم‌وبیش در مطالعات خارجی بررسی شده است، ولی در داخل کشور به این مطالعات توجه نشده است. از طرفی، مشخص نیست نیم‌رخ‌های شناسایی‌شده هنرمندان خارجی تا چه اندازه تعمیم‌پذیر به هنرمندان داخلی است. به این ترتیب، می‌توان پرسید هنرمندان در عوامل صداقت-فروتنی، هیجان‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه چه نیم‌رخ شخصیتی ای دارند. آیا نیم‌رخ شخصیتی آنان بر حسب جنسیت متفاوت است؟

روش

تحقیق حاضر از نوع طرح‌های علی-مقایسه‌ای بود.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی هنرمندان زن و مرد شهرستان ازنا در استان لرستان است که در اداره ارشاد این شهرستان در سال ۱۳۹۲ مشغول به فعالیت هستند. شرکت‌کنندگان ۶۰ هنرمند (۳۰ زن و ۳۰ مرد) بودند که به روش داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند.

ابزار:

پرسشنامه شخصیتی هگزا کو^۱: در این تحقیق از فرم بلند ۱۰۰ سوالی استفاده شد. این پرسش‌نامه توسط اشتون و لی (۲۰۰۵) ساخته شده است. این پرسش‌نامه ۶ عاملی شخصیتی را اندازه‌گیری می‌کند؛ صداقت - فروتنی^۲ (اگر از کسی دوستش ندارم چیزی بخواهم، برای به‌دست آوردن آن خیلی دوستانه با او رفتار می‌کنم)، هیجان‌پذیری^۳ (اگر مجبور باشم در شرایط بد آب‌وهوایی مسافرت کنم، می‌ترسم)، برون‌گرایی^۴ (در کل تا حد معقولی از خودم رضایت دارم)، توافق^۵ (به‌ندرت کینه کسی را به دل می‌گیرم، حتی اگر بد با من رفتار کرده باشد)، وظیفه‌شناسی^۶ (غالباً دفتر کار یا خانم را تمیز می‌کنم) و بازبودن به تجربه^۷ (بازدید از نمایشگاه هنری برایم تا حدودی کسل‌کننده است). نمره‌گذاری گویه‌ها در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۰) انجام می‌شود. نمرهٔ بیش‌تر نشانهٔ داشتن درجهٔ بیش‌تری از صفت مدنظر در هر ویژگی شخصیتی است. پالاهنگ، نشاط دوست و مولوی (۱۳۸۸)، پرسش‌نامهٔ هگزا کو را بر روی ۷۱۱ دانشجوی (۳۰۲ مرد و ۴۰۹ زن) رواسازی کردند. ضریب اعتبار این ابزار در بعد تواضع - فروتنی = ۰/۸۰، تهیج‌پذیری = ۰/۷۴، برون‌گرایی = ۰/۸۱، سازگاری = ۰/۷۳، باوجدان بودن = ۰/۷۱ و گشودگی به تجربه = ۰/۷۶. گزارش شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش اجرای پرسش‌نامه‌ها انفرادی بود. پرسش‌نامه‌ها در یک بازهٔ زمانی دو ماهه اجرا شد. هر پرسش‌نامه به صورت انفرادی و در محل کار هنرمندان، با متوسط زمانی ۴۰ دقیقه اجرا شد. تمامی پرسش‌نامه‌ها توسط پژوهش‌گر اجرا شدند. هنرمندان در اوقات فراغت خود این پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند. در این مطالعه، نمرات حاصل از خرده‌مقیاس‌های هگزا کو، به‌عنوان متغیرهای وابسته و متغیر گروه با دو

11. HEXACO-PI-R

2. honesty

3. emotionality

4. extraversion

5. agreeableness

6. conscientiousness

7. openness

ارزش (هنرمند-غیر هنرمند) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شدند؛ بنابراین، داده‌ها با مدل تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شدند.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد ابعاد شخصیتی در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد عوامل شخصیتی بر حسب جنسیت

زن		مردان		متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۶/۷	۷/۵۴	۳۳/۸	۹۷/۵۲	صداقت
۳۲/۹	۴۳/۵۴	۸۴/۷	۷۳/۵۰	هیجان‌پذیری
۳۷/۷	۷۷/۵۵	۵۳/۶	۲۰/۵۶	برون‌گرایی
۸۱/۵	۸۷/۵۳	۴۸/۷	۳۰/۵۲	سازگاری
۳۵/۶	۴۷/۵۴	۳۶/۷	۹۰/۵۱	وظیفه‌شناسی
۳۹/۶	۴۷/۵۱	۸۸/۴	۳۹/۶۰	گشودگی به تجربه

یافته‌ها حاکی از آن است که هنرمندان مرد، به طور متوسط، در عامل گشودگی به تجربه، نمرات بالاتری نسبت به سایر ابعاد دارند. افزون بر آن، انحراف استاندارد مردان در این عامل از سایر ابعاد کم تر است که نشان می‌دهد آن‌ها نه تنها به طور متوسط در این عامل نمره بالاتری دارند، بلکه در مقایسه با سایر ابعاد در این عامل همگون‌تر هستند. مردان در عامل هیجان‌پذیری به طور متوسط، کم‌ترین با بیش‌ترین انحراف استاندارد را کسب کردند. هنرمندان زن، به طور متوسط، در عامل برون‌گرایی، در مقایسه با سایر ابعاد، بیش‌ترین نمره را کسب کردند. زنان در عامل گشودگی به تجربه کم‌ترین نمره را، در مقایسه با سایر ابعاد، کسب کرده‌اند. مقایسه توزیع نمرات ابعاد بر حسب پراکندگی نشان می‌دهد که زنان در عامل سازگاری کم‌ترین و در عامل هیجان‌پذیری بیش‌ترین پراکندگی را نشان می‌دهند. به طور متوسط، میانگین مردان هنرمند در عامل برون‌گرایی و

گشودگی به تجربه از زنان هنرمند بیش تر بوده و زنان هنرمند، به طور متوسط در عوامل صداقت، هیجان‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی از مردان هنرمند نمرات بیش تری کسب کرده بودند.

جدول ۲. خلاصه تحلیل واریانس ابعاد شخصیتی بر حسب عامل جنسیت

منبع	متغیر وابسته	df	M.S	F	P	Eta
جنسیت	صداقت	۱	۱۸/۱۵	۰/۳۰۴	۰/۵۸	-
	هیجان‌پذیری	۱	۲۰۵/۳۵	۲/۷۶	۰/۱۰	-
	برون‌گرایی	۱	۲/۸۱	۰/۵	۰/۸۱	-
	سازگاری	۱	۵۰/۴۷	۱/۱۲	۰/۲۹	--
	وظیفه‌شناسی	۱	۹۸/۸۱	۲/۸	۰/۱۵	-
	گشودگی به تجربه	۱	۱۱۷۰/۴۱	۳۶/۱۵	۰/۰	۰/۳۴

در جدول ۲ تفاوت میانگین نمرات در ابعاد مختلف شخصیتی با مدل تحلیل چند متغیری واریانس آزمون شد. نتایج آزمون‌های چند متغیری نشان داد که تفاوت بین مردان و زنان حداقل در یک عامل از نظر آماری معنادار است ($F_{1,58} = 4.33$, $P < 0.1$, $Eta = 0.1$), $F_{1,58} = 6.74$, $P < 0.05$ و $F_{1,58} = 0.1$, $P > 0.05$ Wilks lambda). پیش فرض‌های استفاده از تحلیل چند متغیری واریانس بررسی شد. نتایج آزمون باکس نشان داد که فرض همگونی ماتریس کوواریانس بین گروه‌ها صادق است ($F_{1,58} = 1.56$, $P > 0.05$, $F_{1,58} = 36.95$, $P > 0.05$). یافته‌ها نشان داد که بین زنان و مردان هنرمند در عامل صداقت ($F_{1,58} = 0.30$, $P > 0.05$), هیجان‌پذیری ($P > 0.05$), برون‌گرایی ($F_{1,58} = 2.76$, $P > 0.05$), سازگاری ($F_{1,58} = 1.12$, $P > 0.05$), وظیفه‌شناسی ($F_{1,58} = 2.8$, $P > 0.05$) تفاوت معناداری وجود ندارد. هم‌چنین، یافته‌ها حاکی از آن بود که بین مردان و زنان هنرمند در عامل گشودگی به تجربه تفاوت معناداری وجود داشت ($Eta = 0.38$, $P > 0.05$, $F_{1,58} = 36.15$). مقایسه میانگین هنرمندان زن و مرد در عامل گشودگی به تجربه نشان داد که هنرمندان زن، به طور متوسط، نمرات بیش تری از هنرمندان مرد کسب کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان پرداخته شد. بنا بر نظریه صفات، افراد را می‌توان در قالب الگوهای نسبتاً پایدار تفکر، احساس و اعمال توصیف نمود و آن‌ها را در قالب برخی صفات که نوعی ثبات بین موقعیتی دارند، اندازه‌گیری نمود (گلدبرگ، ۱۹۹۶؛ ساوسیر، ۱۹۹۶). ورنون (۱۳۷۷) مدعی بود آفرینندگی در میان هنرمندان و دانشمندان برجسته، احتمالاً بیش از هر چیز به شخصیت و انگیزش آنان بستگی دارد تا نوع خاصی از اندیشیدن. این مطالعه شواهدی در تأیید دیدگاه ورنون فراهم آورد.

در این مطالعه، یافته‌ها نشان داد بین نیم‌رخ هنرمندان زن و مرد در عوامل صداقت، وظیفه‌شناسی و سازگاری تفاوتی یافت نشد.

این یافته با یافته‌های اونیل و هارگریوز (۲۰۰۴) هم‌سو است. در عامل گشودگی به تجربه، هنرمندان زن، به طور متوسط، نمراتی بیش‌تر از هنرمندان مرد کسب کردند. این یافته با پژوهش‌های وان (۱۹۸۹)، ایوزکا (۲۰۰۸)، چامارا و فورنهایم (۲۰۱۰) همخوان بود و هم‌چنین، با یافته ایوزکا (۲۰۰۸) همسویی دارد. چامارا و فورنهایم (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای شخصیت نوازندگان و نویسندگان را با افراد عادی مقایسه کرده و گزارش می‌کند که نوازندگان و نویسندگان بیش از سایر افراد، در عامل گشودگی به تجربه، امتیاز کسب کرده بودند. ایوزکا (۲۰۰۸) دانشجویان رشته روان‌شناسی را با دانشجویان هنرهای تجسمی مقایسه کرد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که دانشجویان هنرهای تجسمی در نوروگرای و بازبودن به تجربه و تمایل به تفکر اکتشافی از دانشجویان روان‌شناسی امتیاز بیش‌تری کسب کرده بودند.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد گشودگی به تجربه، یک مؤلفه مهم در افراد هنرمند است. عاملی که به‌ویژه در هنرمندان زن در مقایسه با هنرمندان مرد، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. مک‌گری و کاستا گشودگی به تجربه را چنین تعریف می‌کنند: گشودگی راهی بزرگ به سوی هنر، هیجان، مخاطرات، تفکرات غیر معمول، تصویرسازی ذهنی،

کنج‌کاوی و تجارب گوناگون است. این صفت، اشخاص دارای قوه تصور زیاد را از انسان‌های واقع‌بین و روزمره متمایز می‌سازد. انسان‌هایی که به روی تجارب مختلف «گشودگی» دارند، روشن‌فکرهای کنج‌کاو، قدرشناس و حساس به زیبایی هنر محسوب می‌گردند. آن‌ها، در مقایسه با مردم دیگر، بسیار خلاق و آگاه به احساسات خود و دارای افکار متفاوت و خارج از عرف هستند. اما انسان‌هایی که در این مقیاس نمره کم می‌آورند معمولاً متمایل به زندگی قراردادی و روزمره و علاقه مند به سنت‌ها هستند. آن‌ها داشتن نقشه، وضوح و سراسر بودن امور را به پیچیدگی مبهم ولو ماهرانه ترجیح می‌دهند. این بعد از شخصیت در واقع میزان علاقه افراد به تازگی و کسب تجربه‌های جدید را نشان می‌دهد. افراد با این ویژگی دارای قدرت تخیل، علاقه به جلوه‌های هنری، کنج‌کاو به ایده‌های دیگران و اقدام‌گرا هستند (مک کری و همکاران، ۱۹۹۴).

نخستین محدودیت مطالعه حاضر، داوطلبانه بودن شرکت‌کنندگان مطالعه است؛ براین اساس، یافته‌های این مطالعه تعمیم‌پذیر به هنرمندانی است که ویژگی‌های آن‌ها مشابه با ویژگی‌های هنرمندان این مطالعه است. محدودیت دوم این مطالعه مربوط به طرح مطالعه است. مطالعه حاضر با روش علی - مقایسه ای اجرا شد. از این‌رو، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان ممکن است تابع متغیرهای دیگری باشد که در این مطالعه کنترل نشده‌اند. محدودیت دیگر، مربوط به حجم نمونه است. براین اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران از نمونه‌هایی با حجم بیش‌تر و روش‌های تصادفی انتخاب نمونه استفاده نمایند. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود متغیرهای مشتبه‌کننده از قبیل سن، تجارب خانوادگی و... که می‌توانند بر روی تفاوت‌های شخصیتی اثر داشته باشند، کنترل گردند. یکی از یافته‌های کاربردی این مطالعه، لزوم توجه به ویژگی گشودگی تجربه در هنرمندان زن است. پیشنهاد می‌شود در گزینش، عقد قراردادهای کاری و ... مطالعاتی طرح ریزی شوند تا کارایی این ویژگی را در موفقیت شغلی بررسی نمایند.

منابع

- آرنهایم، رودولف. (۱۳۷۹)، هنر و ادراک بصری روان شناسی چشم خلاق، ترجمه مجید اخگر، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- پالاهنگ، حسن؛ نشاط دوست، حمیدطاهر و مولوی، حسین (۱۳۸۸)، «هنجار یابی پرسش نامه ۶ عاملی هگزاکو در دانشجویان ایرانی»، نشریه پژوهش های نوین روان شناختی، ۴، ۱۶، صص ۴۳ تا ۶۱.
- فرام، اریک. (۱۳۸۷)، گریز از آزادی، ترجمه عزت فولادوند، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد ورنون، نوردبی. (۱۳۷۷)، راهنمای زندگی نامه و نظریه های روان شناسان، ترجمه احمد به پژوه، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (۲۰۰۴). psychometric properties of the hexaco personality inventory multivariate behavioral research, 39, 329-385
- Baroun, B. (۱۹۹۸). The creative sensitive personality, psykish halska, Rsber, Arthurs, *Dictionary of psychology*, N.Y. 28.
- Chamora, S. Forenhiem, T. (2010). *Musical talent and successfulness*, Belgrade: Faculty of Music and Institute for Educational Research. (Serb.)
- Costa, P. T. Jr. (1996). Universal aspects of Chinese personality structure. In M. H. Bond (Ed.), the handbook of Chinese psychology. Hong Kong: Oxford University Press.
- Costa, P. T. Jr. McCrae, R. R. (1992). "Cross-cultural assessment of the five-factor model: The revised NEO Personality Inventory". *Journal of Cross-Cultural Psychology* 29: 171-188.
- Cox, H., Vilson, P. J. (1992). Artists and substance abuse, *Experimental psychology*, 1228-40.
- Diory, A. Matis, N. (2005). Emotional communication in music performance: A functionalist perspective and some data, *Music Perception*, 14, 393-407.
- Eysenck, H. (1993). The Role of Deliberate Practice in Expert Performance, Goldberg, L.R. (1996). "The development of markers for the Big-Five factor structure." *Psychological assessment* 4, 1
- Gouf, H. Acerman, D. (2006). Perceived emotional expression in synthesized performances of a short Melody, *Musicae Scientiae*, 1, 225-256.
- Hox, K. (2012). Creative personality, *American journal of psychology*, 51 (7), 564-566.

- Isoka, A. (2008). *The musical temperament: Psychology and personality of musicians*, New York: Oxford University Press
- Juslin, P. N., & Sloboda, J. A. (2003). *Music and emotion: Theory and research*, Oxford: Oxford University Press.
- Kafman, P. Y., Vefler, G., & Vakert, J. (1999). Cueutilization in communication of emotion in music performance: Relating performance to perception, *Journal of Experimental Psychology*, 6, 1797-1.
- Kishlofsci, E. (2007). Artists and substance a buse, *Experimantal psychology*, 10, 18-29.
- Ludwig;A. (1992). *Some of the laws of mental acts*, and their correlation, pergamon. *Psychological Review*, 153, 285-306.
- McCrae, R. R., Costa, P. T. Jr. A., Ostendorf, F., Angleitner, A., Marušic, I., Bratko, D. et al. (1994). "Age differences in personality across the adult life span: Parallels in five cultures". *Developmental Psychology* 35 (2): 466-477. doi:10.1037/12-1649.35.2.466. PMID 10082017
- Onil,A. Hargivous, R. A. (2004). *Music and emotion: Theory and research*, Oxford: Oxford University Press.
- Pancii,L. (1997). Communication of emotions in vocal expression and music performance: Different channels, same code?. *Psychological Bulletin*, 129, 770-814.
- Ross,D. J. (2009). *The social psychology of music*, New York: Oxford University Press.
- Saucier, A.KUS-China Education Review B 5 (1996). Earlier title: *US-China Education Review*, ISSN 1548-6613, 544-555.
- Tibaret, D.H. (2011). Developing concepts of musical style, *Musicae Scientiae*, 3, 193-216.
- Van,D. (1989). *Contributions to analytic psyohology*, trans H.G and cory. Baynes, London

Gender Differences in Personality Characteristics of Artistics

Tale Pasand, S., & Shahbazi, J.

Abstract

One of the important features of artists that can facilitate or impede the process of creativity is artist's personality. This study was designed to identify the role of artists' gender in their personality traits. The study was administered by an ex-post facto design. The population consisted of all artists who were working in the Department of Culture of Azna city in 2014. Participants were 60 artists (30 female, 30 male) who voluntarily participated in this study and completed the scale of HEXACO six personality factors. Data were analyzed using multivariate analysis of variance. The results showed that female artists in compare with the male artists are higher at the trait of openness to experience, but there was no significant differences between the groups at honesty, conscientiousness, emotional adaptation, and extroversion. Regarding with the importance of facing with new experiences at art, officials should pat attention to this trait in artists, specially female artists.

Keyword: Artist, Personality characteristic, HEXACO